

مفاسد اقتصادی

عوامل و موانع

دکتر حسین باهر

یکم. پیشگفتار

مفاسد اقتصادی عبارتند از هرگونه سوءاستفاده مالی از مقام و موقعیت خود یا خویشان از طرفی، و از فرصت‌های بادآورده اقتصادی، حتی بدون سوءنیت از طرفی دیگر. توضیح آن که، اگر شخص یا شخصیتی به خاطر رانت‌های مقامی (مدیریتی و اداری و یا موقعیتی) دست به جمع‌آوری مال - اعم از بیت‌المال و یا مال‌البیت - بزند، این امر را می‌توان مصداقی از مفاسد اقتصادی دانست. بنابراین، داراشدن غیرعادلانه، به هر شکلی که باشد، مفسده اقتصادی است. از جمله این موارد عبارتند از:

۱. واگذاری خانه‌ها و کارخانه‌های ملی به خود یا دیگران به صورت بلاعوض و یا با ثمن قلیل (مبالغی کم، ولی ظاهراً قانونی).
۲. واگذاری اجازه ورود و صدور کالاها یا خدماتی، به صورت ویژه.

۳. سوءاستفاده از وجوهات شرعی و یا درآمدهای وقفی.
۴. معافیت‌های مالیاتی و عوارض، به صورت مذاکره‌ای و نه قانونی.
۵. دادن یا گرفتن وام و اعتبار و یا ارز ارزان قیمت.
۶. ارتشا به هر شکلی، از جمله گرفتن هدایایی به اعتبار شغل و منصب و مقام و موقعیت.
۷. احتکار ارزاق عمومی جهت گرانفروشی آنها در بازار سیاه.
۸. خرید ارزان قیمت محصولات کشاورزان (مانند پسته) و فروش گران قیمت آنها.
۹. ایجاد بازارهای کاذب برای محصولات خارجی، به‌ویژه با وجود تولید مشابه داخلی آنها.
۱۰. قاچاق کالا به خارج یا داخل، به صورت عمده با استفاده از روابط نامشروع.
۱۱. ارباب کار خانه‌داران برای واگذاری سهام ویژه به افراد خاص و نه عموم.

۱۲. تلاش برای سوءاستفاده از مکانیسم‌های انقباضی و انبساطی دولت.
۱۳. سوءاستفاده از جریان‌های خصوصی‌سازی، با خرید و فروش ارزان قیمت کارخانجات دولتی.
۱۴. سوءمدیریت‌های اداری و اقتصادی، به ویژه در سطوح بالای وزارتخانه‌ای و سازمانی و بنیادی.
۱۵. مأموریت‌ها و مسافرت‌های غیرموجه داخلی و خارجی و بذل و بخشش‌هایی از جیب ملت.
۱۶. دامن‌زدن به اقتصاد دلالی به جای اقتصاد مولد با گردش اموال به صورت اصولی.
۱۷. پافشاری در باقی‌ماندن بر سر پست‌های کلیدی بدون آن که عملکرد مثبتی در کار باشد.
۱۸. سوءاستفاده از فاصله‌های زیاد بهره‌های دریافتی و پرداختی توسط بانک‌ها، بیمه‌ها و مانند آنها.
۱۹. ایجاد صندوق‌های قرض‌الحسنه، موسسه خیریه، دارالایتام و مانند آنها به صورت‌های صوری.
۲۰. هرگونه داراشدن غیرعادلانه از طرفی، و عدم پرداخت حقوق خلق و خدا از طرفی دیگر.

دوم. عوامل ایجاد مفاسد اقتصادی

مفاسد اقتصادی دارای علل و عوامل متعددی است که پاره‌ای از آنها را می‌توان به شرح زیر فهرست کرد:

- الف. حسن ظن بیش از اندازه پاره‌ای از روحانیان نسبت به بستگان و وابستگان و لذا فراهم‌شدن زمینه سوءاستفاده عده‌ای.
- ب. سادگی پاره‌ای از مدیران، به‌خصوص در سطوح بالای تصمیم‌گیری، و لذا ایجاد قشر شارلاتان در اطراف آنها برای اعمال نفوذهای نامشروع.
- پ. خوش‌گمانی پاره‌ای از مقامات مملکتی به درصدی از ارتشا، به عنوان گریس‌کاری چرخ‌دنده‌های ماشین حکومتی!
- ت. اصرار به ابقا در پست‌های کلیدی به هر قیمتی، از جمله

داراشدن غیرعادلانه، به هر شکلی که باشد، مفسده اقتصادی است.

دادن باج به افراد کلاش، یا اطرافیان زالوصفت.

- ث. احتمال وجود برنامه‌های تخریب شوون و ترور شخصیت‌ها برای ناکارآمد جلوه‌دادن نظام و فرصت‌طلبی حکام.
- ج. ضعف و عیب ساختاری سازمان مدیریت ملی که موجب رفتارهای ناهنجار اشخاص فرصت‌طلب می‌شود.
- در شرح این بندها می‌توان موارد زیر را ذکر کرد:
 ۱. خصوصی‌بازی به جای خصوصی‌سازی.
 ۲. ارزشهای رفاقتی به جای ارزشهای رقابتی.
 ۳. نظام یارانه‌ای به جای نظام کارانه‌ای.
 ۴. فرصت‌بازی به جای فرصت‌سازی.
 ۵. انگیزه مال‌البت به جای هدف بیت‌المال.
 ۶. رفیق‌بازی به نام رفیق‌دوستی.
 ۷. آشرافیت به جای اشرافیت.
 ۸. تجمل‌گرایی به جای تجمل‌زدایی.
 ۹. تظاهرات متشرعانه به جای تعاملات متعبدانه.
 ۱۰. به خود و خانواده‌اندیشی به جای به‌خلق‌اندیشی.
- بدیهی است که ورود هرگونه اتهام به جنبش ملی مبارزه با مفاسد اقتصادی، خود نشانگر آمریت و عاملیت آن می‌باشد.

سوم. راه‌های مقابله و پیشگیری از مفاسد اقتصادی

- الف. برخورد با معلول (مقابله‌های رفتاری): برای جلب اطمینان عمومی از برنامه‌های جدی حکومتی جهت مقابله با مفاسد اقتصادی در هر سطحی و با هر اندازه‌ای، لازم است که کمیته‌ای ضربتی توسط مسوولان سه قوه زیر نظر مقام رهبری تشکیل و دست‌به‌کار اقدامات زیر شود:
 ۱. خواستن از دستگاه‌های اطلاعاتی - امنیتی جهت جمع‌آوری و ارایه شفاف آمار دارایی‌های دانه‌درشت‌های

حکومتی، یعنی کسانی که بعد از انقلاب دارای سرمایه‌های بادآورده شده‌اند (چه در داخل و چه در خارج).

۲. جمع‌آوری و طبقه‌بندی شایعات و یا اطلاعات مردمی به صورت بی‌نام، ولی با ذکر دلیل و سند.
۳. خواستن از قوه قضاییه در تاسیس دادگاه ویژه جهت قضاوت حق و باطل بودن‌های اتهامات.
۴. اجرای قاطع احکام دادگاه‌های ویژه بدون هرگونه ملاحظه‌کاری‌های سیاسی و اجتماعی.
- ب. راهکارهای پیشگیری از مفاسد اقتصادی: برای جلوگیری از تکرار مفاسد اقتصادی، ضروری است که به اصولی عمل شود که منبعث از ارزش‌های اسلامی و اخلاقیات ایرانی به شرح زیر می‌باشند:

۱. شفاف‌سازی اصول اقتصادی قانون اساسی براساس تجارب گذشته ایران و جهان، توسط کمیته‌ای متشکل از حقوقدانان، اقتصاددانان، اسلام‌شناسان و مدیران.
۲. سالم‌سازی محیط‌های سازمانی - اعم از دولتی، تعاونی، نهادی و بیوت شخصیت‌ها - با رسیدگی به عملکرد قبل و بعد از انقلاب آنها با نیت تفکیک سره از ناسره.
۳. برقراری نظام کنترل و ارزشیابی عملکردها و پاسخگویی به تمام کسانی که دستی در قدرت دارند و یا برای اعمال خود، وابستگان و اعضای جمعیت‌ها و احزاب و جناح‌های ذریبط پستی را لحاظ می‌نمایند.
۴. تعبیه امکاناتی برای دادن اعتبار به سرمایه‌گذاران و احترام به مغزها و بالطبع، جلوگیری از اعمال آگاهانه و یا ناآگاهانه پاره‌ای از مسوولان و غیرمسوولان در فراری‌دادن و یا خانه‌نشین‌ساختن مغزها و سرمایه‌ها.

پافشاری در باقی‌ماندن بر سر پست‌های کلیدی بدون آن‌که عملکرد مثبتی در کار باشد، از جمله مصادیق فساد اقتصادی است.

اکنون ریشه‌های فساد در حصارهای امن قرار گرفته

گفتگو با دکتر سیدمهدی صحرایان

طیف سوپر ثروتمند جامعه، با اتکای به وهم و ترس اولیه و برای پیشگیری از نفوذ افراد غیر خودی، عمده تجارت خارجی را در انحصار خود درآورد.

توسعه، آبادانی و خدمات موردنیاز جامعه که همان خدمات زیربنایی نام دارد، هزینه نمایند. جهت اطلاع باید عرض کنم که خدمات زیربنایی در یک کشور شامل دو قسمت: خدمات فنی و خدمات مربوط به حفظ و ایجاد امنیت در کشور می‌باشد. برای این که این وضعیت بهتر ترسیم شود، می‌توان گفت که یک کشور مانند شرکتی است که در راس آن یک رییس قرار دارد و باید درآمدهایی که شرکت ایجاد می‌کند، در شرکت

؟ / آقای دکتر صحرایان، ضمن تشکر، خواهشمند است در ابتدا تعریفی از فساد، آنگونه که در دستگاه‌های دولتی بروز می‌کند، ارایه بفرمایید.

□ اصولاً دستگاه‌های دولتی، کارمندان دولت و تمامی کسانی که از بودجه عمومی استفاده می‌کنند، به عنوان امانتداران اموال ملت محسوب می‌شوند. براساس قانون، ملت این گروه را موظف نموده تا مالیاتی را که به صندوق دولت می‌پردازند، در جهت